



خطاهای نابخشودنی

کنش و واکنش‌ها پیرامون برخی اظهارات شاذ عامدانه یاسهوی افراد و سرانجام آن

۱۸

● شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ ● ۱۵ شوال ۱۴۴۴ ● سال سی‌ویکم ● شماره ۶۴ ۸۷۶

همیشه در سیاست



پرونده‌ای برای اظهارات عجیب و غریب برخی مسئولان

ادعاهای بادکنکی

گزارش حمیدرضا بوچاریان روزنامه‌نگار

حرف مفت و ابیسته به انگیزه‌های گوینده آن است و از این‌رو نمی‌توان به سادگی نشان داد که یک حرف، حرف مفت است. به‌نظر می‌رسد تصویر روشنی از حرف مفت وجود ندارد اما انگیزه‌هایی وجود دارد که می‌توان با بررسی آن به این نتیجه رسید که کدام حرف مفت است و کدام نیست.

اگر تا دیروز فضای غیررسمی و مجازی محلل و بستر انتشار اظهارنظرهای غیر کارشناسی از سوی افراد «مسئول‌نما» بود که کشور از رهگذر چنین اظهار نظرهایی متحمل خسارت‌های سنگین می‌شد، اکنون فضا به‌گونه‌ای در حال تغییر است که شاهد هستیم برخی صاحب‌منصبان نیز به جرگه بیان‌کنندگان چنین اظهارنظرها و اظهاراتی پیوسته‌اند و حتی گوی سبقت را از میدان‌داران سنتی این عرصه برده‌اند!
اتفاقی که در روزهای گذشته درباره فروش برخی جزایر و حتی یک استان برای پرداخت حقوق بازنشتستان رخ داد بار دیگر نشان داد که چگونه عده‌ای با حداقل صلاحیت مدیریتی بر مناصب اداری کشور تکیه زده‌اند و با اظهارات عجیب‌شان هم موجب نگرانی و ناراحتی مردم می‌شوند و هم خوراک تازه و آماده‌ای را برای زیرسؤال بردن کشور به دست معاندین می‌دهند. اگرچه بارها بر ضرورت اصلاح این‌رویه و تبیین سازوکارهایی برای پایان دادن به این وضعیت سخن گفته شده‌اما هنوز اقدام عملی‌ای در این‌باره نشده است. به‌راستی چگونه می‌توان مانع تکرار چنین اظهاراتی‌شد؟ هدف از بیان آن چیست؟ چه راهکاری برای جلوگیری از این اتفاق وجود دارد؟

حرف مفت

زمانی که تلگراف در دوره ناصرالدین‌شاه به تهران آمد و امکان برقراری ارتباط میان کاخ گلستان و دارالفنون را برقرار کرد، مردم که از این اتفاق عجیب شگفت‌زده بودند هر روز در کنار مرکز ارسال تلگراف در شهر جمع می‌شدند و صف‌های طولیل تکمیل می‌شد و برای یک‌دیگر تلگراف می‌فرستادند و حتی شوخی و مزاح و مطالب غیرضروری را برای یکدیگر با تلگراف ارسال می‌کردند. صف‌های تلگراف‌خانه چنان طولیل شد و متن‌های تلگراف چنان بی‌ارزش شد که علی‌قلی خان مخبرالدوله، وزیر تلگراف دربار پخشنامه‌ای نوشت که آن را بر در تلگراف‌خانه نصب کردند. در آن نوشته شده بود: «از امروز حرف مفت زدن ممنوع». از آن زمان اصطلاح حرف مفت زدن رایج شد و اکنون نیز در ادبیات سیاسی کشور این عبارت بارها شنیده می‌شود که مصداق حرف بی‌اعتبار و بی‌ارزش است

و معمولاً هم برای رد اظهارات فرسد گوینده استفاده می‌شود.

چیستی حرف مفت

حرف مفت تبدیل در کنار خود دارد؛ راست و حرف دروغ. حرف راست، آنچه را در واقعیت وجود دارد، بازنمایی می‌کند؛ حرف دروغ جای‌گذاری یک‌ک بطلان به‌جای حقیقت است. حرف مفت اما در پی بازنمایی و قبولاندن دروغ نیست؛ حرف مفت اساساً به حقیقت کاری ندارد و آن را کناری می‌نهد؛ همچنین معیارهای صدق و کذب را نیز وامی‌نهد؛ حال آنکه در راست و دروغ دغدغه حقیقت وجود دارد. دغدغه آنکه حرف مفت می‌گوید، حوقدقروشی و جلوه‌فروشی است. اینگونه چرا که حرف‌مفت‌زن گاه راست هم می‌گوید چراکه هدف او صداقت نیست. اخیراً نیز مسئولانی با طرح ادعاهایی واهی درباره آقوه مجریه و مقننه تلاش کردند اینطور القا کنند که بده‌بستان‌هایی وجود دارد که منشأ فساد و رانت است. این در حالی است که پس از تحقیقات مفصل درباره ادعا و حرف زده‌شده، خلاف آن ثابت شد ولی در این میان به اعتبار و آبروی آقوه خدشه وارد شد.

کارکردهای مثبت و چرایی حرف مفت
اگر چه بسیاری بر این باورند کسانی که حرف‌های بی‌مبنا و بدون استدلال می‌زنند در نهایت بازنده فضای عمومی و اجتماعی جامعه‌اند اما برخی کارشناسان اعتقاد دارند برخلاف نظر عموم در مورد کارکرد منفی «حرف مفت»، این موضوع برای گویندگان آن تا حدی کارکردهای مثبتی به‌همراه دارد. سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران ازجمله این دسته کارشناسان است. او به همشهری می‌گوید: «حرف‌مفت‌زن‌ها برای تأمین منافع سیاسی و اجتماعی خود از این حربه استفاده می‌کنند. در برخی موارد گوینده به‌دنبال مطرح کردن نام خود در رسانه‌ها با هدف مشهور شدن نزد افکار عمومی برای رسیدن به مقاصد خاص



مکت



۲۰

مواجهه رسانه‌های ایران با مهاجران افغانستانی

افغانستانی‌های ساکن ایران در آیینه‌رسانه‌ها

رسیدن شبیه‌پردازان به اهدافی که آن را دنبال می‌کنند فراهم‌شود. در برخی موارد شاهد شکل‌گیری هدفمند و سازمان‌یافته شبیه‌افکنی پیرامون یک موضوع و در ابعاد وسیع هستیم به‌گونه‌ای که حرف و حدیث‌های متعدد و عجیبی در مورد مسئله‌ای خاص از سوی ده‌ها نفر مطرح می‌شود تا حساسیت مردم نسبت به یافتن اصل ماجرا به حداقل ممکن برسد و کنکاش برای رسیدن به حقیقت بی‌اثر شود. بازنشر گسترده حرف‌های بی‌اساس در رسانه‌های رسمی و غیررسمی ازجمله این رویکردهاست؛ رویکردی که سیدجواد حسینی، عضو هیأت‌علمی دانشگاه درباره آن می‌گوید: «هر اظهار نظر غیرمسئولانه شکاف عمیقی را میان اقدشار مختلف جامعه ایجاد می‌کند.

به‌گونه‌ای که اعتماد رازرسؤال می‌برد. برای مثال اظهار نظر مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار نشان داد که او سواد و دانش رسانه‌ای لازم را نداشته و به‌راحتی توسط رسانه‌ها به بازی گرفته شده‌است و رسانه‌ها از او برای برندسازی خود استفاده کرده‌اند.» به‌گفته وی، شهوت میکروفن در کشور ما بیاد می‌کند. به‌گونه‌ای که هر فردی هر چند بی‌ربط به‌خود اجازه می‌دهد تا در مهم‌ترین موضوعات امنیتی و ملی کشور اظهار نظر کند. چه‌سپا نماینده مجلسی که در موضوع سیاست خارجی نظر شخصی خود را بیان می‌کند بسا وجود اینکه مسئول این امر در قانون‌اساسی شخص و ارگان دیگری تشخیص داده شده‌است. این اظهارات، کشور را با بحران اساسی روبه‌رو کرده‌است. پس لازم است تا نهادهای مسئول مثل شورای عالی امنیت ملی و فضای مجازی به این مسئله ورود کنند.

برنامه‌ریزی برای تغییر تصمیمات کلان کشور

با بررسی دقیق‌تر رفتارها و اظهارات غیرمسئولانه کسانی که در جامعه بی‌محابا اقدام به حرف زدن می‌کنند، مسئله‌ای پنهان است که نباید آن را نادیده گرفت؛ موضوع برنامه‌ریزی برای تغییر ریل و جهت‌گیری دولت‌ها و حکومت‌ها با طرح ادعاهای بی‌مبنا که بعضاً اثر خود را نیز روی

رسمیت‌گریزی رسانه‌ها و صاحبان سخن

سیدمحمدصادق کاظمی / عضو هیأت‌علمی دانشگاه امام صادق (ع)

تکنه بسیار مهمی که در انتشار اخبار و صحبت‌ها به دلیل اهمیت و پیگیری آن توسط اقدشار مختلف جامعه وجود دارد، آثار تکوینی و طبیعی این سخنان است که در دین اسلام نیز به آن توجه شده‌است و پس کسی که صحبت می‌کند باید قبل از انعقاد سخنش متوجه آثار مهم صحبت‌هایش بر مستمع و جمعیت‌مورد خطایش باشد. این موضوع تنها محدود به مسئولان نیست بلکه حتی یک سخنران معمولی در گوشه‌ای از شهر نیز باید متوجه سخنان خود باشد. یادآوری این نکته ضروری‌است که هر کسی توانایی مسوق دادن جامعه به سمت، سوی مثبت را با حرف‌های خود ندارد. از جمیع این نکات درمی‌یابیم که باید یک سازو کار محکم و با قاعده بین مسئولان کشور و در ارگان‌ها برای بیان موضع‌گیری‌ها وجود داشته باشد. اتفاق خوبی که در دولت آقای رئیسی رخ داد انتخاب سخنگو برای هر سازمان و وزارتخانه بود. به‌طوری که تمام جهت‌گیری‌ها و اعلام‌برنامه‌ها تنها از سوی سخنگوی ارگان مورد نظر بیان می‌شود. نباید حتماً برای هر دستگاهی سخنگو

مسئولان تصمیم‌گیر می‌گذارند. سیدجواد حسینی این رویکرد و رویه را خطرناک و مضر به حال کشور می‌داند و می‌گوید: «به‌عنوان نمونه در بحرانی که در پاییز سال گذشته داشتیم، برخی اظهارنظرهای جنجالی فضای کشور را شدیداً امنیتی کرد. این درحالی‌است که در کشورهای اروپایی مسئولان به‌خود اجازه نمی‌دهند تا در هر مسئله‌ای ورود و اظهارنظر کنند. سطوح دسترسی به اطلاعات نیز مشخص است. اغتشاش و آلودگی اطلاعاتی در همه حوزه‌های رسمی و غیررسمی ازجمله این نیز برای اظهار نظرهای غیرمسئولانه وجود دارد. رسانه‌ها نیز ابزاری جهت تحریک افراد ساده‌لوح برای اظهار نظرهای جنجالی به‌منظور مطرح شدن رسانه مورد نظر نیستند. در حقیقت اصلاح این موضوع در کشور ما نیازمند فرهنگسازی و قوانین بازدارنده‌است.»

چه باید کرد؟

اما آیا می‌شود کسانی را که با هر نیتی به‌دنبال مطرح کردن نام خود هستند و از ورود به حریم خصوصی دیگران و اظهارنظر کردن درباره آن نیز ابایی ندارند، از ادامه این کار منصرف کرد؟ پرسشی که سیدحسن موسوی چلک در پاسخ به آن به همشهری می‌گوید: «اجرای جلوگیری از حرف مفت با حرف اضافه زدن در برخورد قهری نیست. جامعه‌ای که با چالش اخلاقی روبه‌رو باشد با این پدیده درگیر است و ما نیز با این مشکل روبه‌رو شده‌ایم. برای برطرف کردن مغضلی که اکنون آن دست و پنجه نرم می‌کنیم باید ساختارها و بنیان‌های اخلاقی در جامعه تقویت شوند. تنها ۱۰ درصد از کار نیز نیازمند اتخاذ قوانین سخت و بازدارنده است تا افرادی که با اظهار نظر هسای خود به دیگران و حقوق شهروندی ما هم صدمه می‌زنند تاوان اظهارات خود را پس دهند. بنابراین تنها راهکاری که باید به آن توجه کرد رسیدن به اخلاقی و نهادینه کردن آن در جامعه و در همه سطوح است تا دیگر شاهد

بیان چنین اظهار نظرهایی با هر قصد و نیتی، نباشیم.»

قرار دهیم اما می‌توان به سازو کارهای جدید و مدرن فکر کرد تا حتی اظهارنظرهای غیررسمی نیز در این چارچوب عمل قرار گیرد. از سوی دیگر رسانه‌ها به دیده شدن و سرعت انتقال اخبار خود می‌اندیشند؛ پس نمی‌شود از رسانه‌ها انتظار داشت که در درجه اول به‌دسترسی صحبت‌ها توجه کنند. چرا که این مورد معمولاً جزو خاصه‌های دوم یا سوم اخبار برای رسانه‌ها هستند. نخستین مورد برای جلوگیری از رسمیت‌گریزی ایجاد یک سازوکار قانونی در کشور است؛ یعنی یک نوع سختگیری نسبت به این موضوع وجود داشته باشد. این سختگیری‌ها نباید تنها معطوف به رسانه‌ها باشد بلکه کنترل سخنان از هر موضوعی مهم‌تر است. در حقیقت با وضع قوانین سختگیرانه باید افراد و رسانه‌ها را به سمت پذیرش قوانین و توجه به آن سوق دهیم. رعایت اخلاق از سوی رسانه‌ها واجب است اما در گام‌های اولیه باید به صاحبان سخن و جریان‌های سیاسی کشور و سازماندهی آنان توجه کرد. در واقع ساختار رشد سیاسی و فعالان به‌خوبی در کشورمان تنظیم نشده‌است. از سویی یکی از راه‌های مطرح شدن در جامعه نیز همین اظهارنظرهای جنجالی و عجیب‌است چرا که مردم حرفی را در جامعه می‌شنوند که از باقی سخنان تکان‌دهنده‌تر باشد.

نکته

نمایندگان خودرو گرفتند تا وزیر استیضاح نشود!

«بدیهی‌ترین و روشن‌ترین موضوع این است که ۷۰ تا ۷۵ دستگاه خودرو بین کارکنان مجلس و نمایندگان تقسیم شده‌است. این موضوع سبب شده بده‌بستان نامتعارفی میان ما در مجلس به عنوان دستگاه نظارتی و خودروساز اتفاق بیفتد.» این جملات یکی از نمایندگان در آستانه استیضاح فاطمی‌امین، وزیر وقت صمت است، احمد علی‌رضاییگی به گونه‌ای عمل می‌کند که گویا وزیر صمت برای اینکه استیضاح نشود با برخی نمایندگان بده‌بستانی نامتعارف را رقم زده‌است و به این نمایندگان خودروی شاسی‌بلند داده‌است تا استیضاحش در مجلس منتفی شود.

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

● ● ●

شاذگویی برای جلب توجه است

بیان‌کنندگان شاذ نظرات شاذ معمولاً به تکنیک‌های رسانه‌ای اشراف و تسلط دارند. این افراد سعی می‌کنند شعاع خبری خود را با شاذگویی گسترش دهند و برای تحقق این‌هن هدف می‌کشوند مطالبی را بیان کنند که با دیگران تفاوت داشته‌باشد و نظر رسانه‌ها و افکار عمومی را با این روش به‌خود جلب کنند. اهدافی که بیان‌کنندگان این اظهارات دنبال می‌کنند، از چند موضوع خارج نیست. ممکن است بیان اظهارات شاذ به شکل سهوی رخ داده باشد که می‌توان با اصلاح و عذرخواهی بعدی این خطا را پوشاند. برخی دیگر این اظهارات را به دلایل سیاسی و انتخاباتی بیان می‌کنند تا بیشتر دیده شوند و خود را مطرح کنند. این اتفاق عمدتاً در ماه‌ها و روزهای منتهی به انتخابات بیشتر دیده می‌شود. اما باید گفت، شاذگویی محملی ندارد و در بلندمدت برای بیان‌کننده آن آورده‌ای نخواهد داشت. تنها دلیلی که افراد دست به اظهار نظرهای بی‌مبنا می‌زنند، این است که به‌دنبال درگیر کردن ذهن‌ها به سمت موضوعات و مسائلی هستند که از درجه اعتبار پایینی برخوردار است. بدون شک سنجیده‌گویی در جامعه هنر است، اما متأسفانه بسیاری از این هنر برخوردار نیستند. از سوی دیگر، اظهارات نسنجیده هنرینه‌ای برای گوینده ندارد و به این دلیل شاهد رشد این موضوع در بیان نظرات و دیدگاه‌های افراد هستیم. در چنین شرایطی که بیان اظهاراتی از این دست برای گوینده آن هزینه‌ای ندارد، نقش رسانه‌ها و نخیکان با اهمیت به‌مراتب بیشتری، برای دفع این افراد از جامعه پررنگ‌تر می‌شود. رسانه‌ها در مواجهه با این افراد باید با دروازه‌بانی اخبار مانع انتشار اظهاراتی‌شوند که قابل دفاع نیستند و شاذ بودن آن بدیهی است. معتمد نباید با افرادی که چنین اظهاراتی انجام می‌دهند، برخورد قهری کرد. رویکرد فرهنگی است که می‌تواند این افراد را از جامعه دور نگه دارد. افکار عمومی باید خود را آماده کند تا تفاوت میان حرف‌های بی‌مبنا و شاذ را با اظهارات سنجیده درک کند.

نگاه علی‌توابی؛ دبیر گروه سیاسی

اینقدر بادکنکی نباشید

دستی را تصور کنید که به واسطه سوختگی پوست آن دچار التهاب شده‌است. با اندک اصطکاک این دست با هر سطحی روان فرد ممدوم به‌هم می‌ریزد و ناله و فغان او از درد برمی‌خیزد، اصطکاک کی قطعاً برای یک فرد عادی چندان اهمیتی ندارد. وضعیت روانی جامعه ایران چیزی شبیه همین مثال است که با صحبت‌های نسنجیده برخی از مسئولان به‌هم ریخته و آشفته می‌شود. در اینجا شایسته‌است در ۲ فصل موضوع بررسی شود؛ یک، مسئولان و دو، رسانه.

یک، مسئولان؛ کم گوی و گزیده‌گوی چون دُر مسئول جمهوری اسلامی باید بداند آنچه او را بر سر زبان می‌آندازد و برای او محبوبیت می‌آفریند عملکرد اوست و نه تعدد مصاحبه و سخنرانی در مجالس مختلف. در همین زمینه کافی است نگاه شود به رویکرد سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی که کمتر صحبت می‌کرد و بیشتر اهل اجرا بود. امروز نه فقط ایران که کل منطقه تحت‌تأثیر صحبت‌های اوست و باید یک‌بار کسی میزان مصاحبه‌های او با برخی از مسئولان را مقایسه کند. در کنار کم کردن صحبت در قیاس با عمل، بجا صحبت کردن هم مهم است. متأسفانه برخلاف آنچه در چارت سازمانی دستگاه‌های مختلف نوشته می‌شود، مسئولان در رده‌های مختلف مشاوران رسانه‌ای متبخر و توانمندی ندارند. حضور پسر خواهر و دختر برادر و داماد و امثالهم در چارگانه پراهمیت مشاور رسانه‌ای، باعث می‌شود تا یک حرف اشتباه به‌عنوان یک سخن صواب از رسانه‌ها سر در بیاورد. متأسفانه گویا کسی نیست که به برخی از مسئولان بگوید این سخن نه‌تنها مفید نیست که برای تو عین ضرر است.

دو، رسانه؛ علیکم‌بالمتون لا یلجواشی دعوای رسانه‌های امروز ایران بیش از آنکه دعوای محتوا باشد دعوای حاشیه‌ایست. درگیری بر سر دیده‌شدن، دعوای چند مشاهده بیشتر و عطش بر سر زبان افتادن بلایی به سر رسانه آورده که برخی از گرگ‌داندگان آن فراموش کرده‌اند رسالت اصلی آنها روشنگری فکر و ذهن مخاطب است و نه مشوش و پریشان کردن او؛ گویی رسانه دقیقاً در مسیر عکس آنچه باید باشد حرکت می‌کند. وقتی هدف رسانه دیده شدن به هر قیمتی باشد، حاضر است از اثر مطلب منتشر شده صرف‌نظر کند. رسانه‌ای که می‌خواهد بیشتر دیده شود به جای توجه به اصل مطلب و متن قضایای مختلف سراغ سوالات حاشیه‌ای می‌رود تا پاسخی بگیرد که برای مخاطب صرفاً جذاب باشد و نه مفید.

در کنار توجه بسیار به حاشیه، تعدد بالای رسانه‌ها در ایران یکسای دیگر از دلایل رشد حرف‌های «شاذ» است. وقتی رسانه زیاد شد، نیاز به محتوای متفاوت برای پسر کردنش هم بیشتر می‌شود و در ادامه رقابت کاذب برای برنده شدن هم زیاد می‌شود. البته کسی با آگاه شدن مخاطب مشکلی ندارد اما مشکل آنجا ایجاد می‌شود که این رسانه‌ها به‌جای آگاهی‌بخشی سراغ زردنمایی می‌روند و با تنگ آمدن قابله مطالبی منتشر می‌کنند که جز تشویش ذهن مخاطب عاید‌ای ندارد.